



## شیعیان از منظر امام باقر(ع) / شکافنده گنج‌های پنهان معارف کیست؟

علم حضرت امام باقر(ع) و شکافنده علوم بودن آن حضرت بر کسی پوشیده نیست و شاگردان زیاد آن حضرت که نام بسیاری از آنها از جمله دانشمندان و شخصیت‌های علمی ممتاز جهان اسلام می‌باشد دلیل این مدعاست.

علم حضرت امام باقر(ع) و شکافنده علوم بودن آن حضرت بر کسی پوشیده نیست و شاگردان زیاد آن حضرت که نام بسیاری از آنها از جمله دانشمندان و شخصیت‌های علمی ممتاز جهان اسلام می‌باشد دلیل این مدعاست.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: بنا بر روایات متعدد ولادت امام باقر(ع) در اول رجب سال پنجاه و هفت واقع شده و بر این اساس این امام بزرگوار در واقعه کربلا چهار سال از سن مبارکشان می‌گذشت. در مورد مادر بزرگوار آن حضرت آمده است که ایشان از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) بوده‌اند. روایتی از امام صادق(ع) در مورد مادر امام باقر(ع) ذکر شده که فرمودند: «کانت صدیقه لم یدرک فی ال‌الحسن(ع) مثلها» یعنی جدهام صدیقه بود و در آل حضرت امام حسن(ع) زنی به درجه و مرتبه او نرسید. از این حیث مقام مادر امام باقر(ع) که او را «ام عبدالله» می‌گفتند، در خور تامل است.

باقر و شاکر و هادی از جمله القاب امام پنجم شیعیان می‌باشد که مشهورترین آن حضرت باقر(ع) است و این لقبی است که پیامبر اکرم(ص) آن حضرت را به این نام ملقب فرموده است. در این خصوص روایتی از جابر بن عبدالله نقل شده که پیامبر خطاب به او می‌فرماید: «تو در دنیا بمانی تا ملاقات کنی فرزندی از من که از اولاد حسین خواهد بود که او را محمد نامند. «بیقر علم الدین بقراً» یعنی او علم دین را می‌شکافد.

شیخ صدوق نیز روایتی را نقل می‌کند که فردی از جابر بن یزید جعفی سوال می‌کند که چرا امام پنجم را باقر نامیدند؟ گفت به این علت که «بَقَرَ الْعِلْمَ بَقْرًا، أَيُّ شَقَّةٍ شَقًّا وَ أَظْهَرَ إِظْهَارًا» یعنی علم را می‌شکافد و آن را ظاهر می‌سازد.

و نیز گفته‌اند که آن حضرت را باقر نامیدند چراکه «لتبقره فی العلم و هو تفجره و توسعه» آن حضرت شکافنده علوم اولین و آخرین و دلش بحر پهناور و چشمه جوشنده علم و دانش بود.

ابن حجر هبتمی در صواعق محرقه نیز آورده است که «ابوجعفر محمدالباقر سمي بذالك من بقر الارض اي شقها و آثار مخبئاتها و مکامنها فلذالك هو اظهر من مخبئات كنوز المعارف و حقائق الاحكام ما لا يخفي الا علي منطمس البصيره او فاسد الطويه و من ثم قيل فيه هو باقرالعلم و جامعه و شاهر علمه و رافعه» یعنی لقب باقر برای ابوجعفر محمد باقر برگرفته از شکافتن زمین و بیرون آوردن گنج‌های پنهان آن است، بدین جهت که او گنج‌های پنهان معارف و حقایق احکام را آن‌قدر آشکار ساخت که جز بر افراد بی‌بصیرت و دل‌های ناپاک پوشیده نیست و از این جاست که وی را شکافنده و جامع دانش و نشر دهنده و برافرازنده‌ی علم خویش نامیده‌اند.

ابن شهر آشوب نیز ذیل روایتی می‌گوید آنچه از امام باقر(ع) از تفسیر و کلام و فتوی و احکام حلال و حرام ظاهر شده است از هیچیک از فرزندان حسن و حسین(ع) ظاهر نگردیده است.

از خود آن حضرت نیز روایتی خطاب به جابر آمده است که فرمود: «والله يا جابر لقد أعطاني الله علم ما كان و ما هو كائن إلى يوم القيامة» یعنی ای جابر! سوگند به خدا، همانا خدای تعالی علم آنچه بوده و علم آنچه تا روز قیامت خواهد بود را به من عطا فرموده است.

بنابراین علم حضرت امام باقر(ع) و شکافنده علوم بودن آن حضرت بر کسی پوشیده نیست و شاگردان زیاد آن حضرت که نام بسیاری از آنها از جمله دانشمندان و شخصیت‌های علمی ممتاز جهان اسلام می‌باشد، دلیل این مدعاست.

اما سخن در باب علم و دانش آن حضرت زیاد به میان آمده است که ما نیز به حسب اهمیت این موضوع برخی از روایات در این باب را نقل نمودیم. اما در ادامه این گزارش به نقل حدیثی از امام باقر(ع) می‌پردازیم که در آن سیمای شیعیان آن حضرت به تصویر کشیده شده است. بر اساس این روایت شاخصه‌های شیعیان آن حضرت بعنوان معیاری برای سنجش اعمال خود و میزان انطباق آن با این شاخص‌ها مشخص می‌شود.

امام باقر(ع) به جابر جعفی می‌فرماید: «ای جابر! آیا همین بس است که کسی دعوی محبت ما اهل بیت را کند؟ والله شیعه ما

نیست مگر کسی که اطاعت خدا نماید و تقوی و پرهیزکاری داشته باشد، ای جابر پیشتر شیعیان را نمی‌شناختند مگر به تواضع و شکستگی و بسیاری ذکر خدا و بسیاری نماز و روزه و تعهد همسایگان و کمک فقرا و مساکین و قرض داران و یتیمان و راستی در سخن و تلاوت قرآن و زبان بستن از غیر نیکی مردم و امینان خویشان بودند در جمیع امور. ای جابر! کسی که گوید من علی(ع) را دوست دارم و ولایت او را دارم و به اعمال آن حضرت عمل نمایم و پیروی سنت او نکنم، آن محبت به هیچ کار او نمی‌آید. پس از خدا بترسید و عمل کنید تا ثواب های الهی را بیابید، بدرستیکه میان خدا و احدی از خلق خویشی نیست و محبوبترین بندگان نزد خدا کسی است که پرهیزکاری از محارم الهی زیادتیر کند و عمل به طاعت الهی بیشتر نماید، والله که تقرب به خدا نمی‌توان جست مگر به طاعت او و ما براتی از آتش جهنم برای شما نداریم و هیچکس را بر خدا حجتی نیست و هر که مطیع خداست ولی و دوست ماست و هر که معصیت الهی می‌کند او دشمن ماست و به ولایت ما نمی‌توان رسید مگر به پرهیزکاری و عمل صالح.»

در این باب ذکر روایتی از رسول اکرم(ص) نیز خالی از لطف نیست که آن حضرت در منبر آخری که در ایام مریضی برای مردم موعظه کردند، فرمودند: «به حق آن خداوندی که مرا به حق فرستاده است که نجات نمی‌دهد از عذاب خدا مگر مگر عمل نیکو.»

البته موضوع شفاعت نیز در ادبیات دینی ما جایگاه خود را دارد اما آنچه در وهله اول به آن دستور داده شده است اطاعت از فرامین الهی است. باید دانست که مومن از بحث شفاعت مغرور به گناه نمی‌شود بلکه به فضل و رحمت خدای متعال امیدوار می‌شود.

لذا بر اساس این روایات صرف محبت اهل بیت کافی نمی‌باشد و انجام دستورات الهی و دوری از معاصی نیز لازم است و در عمل نیز باید از سیره ائمه معصومین درس گرفت. رهبری معظم انقلاب نیز چندی پیش با اشاره به این موضوع فرمودند: «ما باید درس بگیریم، یاد بگیریم. صرف محبت کافی نیست. البته محبت کارساز است اما کافی نیست، ولایت لازم است. ولایت یعنی تولی کردن، دنباله‌روی کردن، دست به دامن اینها زدن؛ راهی را که اینها رفته‌اند انسان آن راه را برود؛ این لازم است.»